

تعامل فرهنگی مسجد و جامعه از منظر آموزه‌های دینی

* عماد افروغ

** کریم خان محمدی

*** سیف‌اله قنبری نیک

چکیده

آنچه به عنوان میراث فرهنگ دینی هزارساله اسلامی یاد می‌شود و جوامع اسلامی با تکیه بر این ذخیره معنوی به حیات اجتماعی خود ادامه می‌دهند، عبارت است از: مجموعه نهادها، ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی اسلامی که سبب شکل‌گیری تمدن اسلامی شده است؛ تمدنی که به پشتوانه مبانی و حیاتی خود و رهبری متعالی برترین بندگان خداوند و تعامل سازنده با عموم مردم به تدریج به وضعیت تکامل یافته کنونی رسیده است. بی‌شک، پایگاه اصلی این تعامل و مهم‌ترین و تاثیرگذارترین عنصر جامعه اسلامی، مسجد بوده است؛ کانونی که همه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اسلام بر محور آن بنا شده و در تجربه تاریخی اسلام نیز نقش آفرینی ویژه‌ای داشته است.

مقاله حاضر به روشی توصیفی-تحلیلی درصدد است با تکیه بر آموزه‌های دینی و تجربه تاریخی اسلام، وجوه تعامل فرهنگی مسجد و جامعه را بازخوانی کرده و متناسب با الگوی مطلوب دینی این تعامل، پیشنهادهایی را برای وضعیت موجود ارائه نماید.

تعامل در انتقال باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهایی از قبیل: محوربودن در آموزش و تربیت، الگو بودن در شیوه زیست فردی و اجتماعی، تاثیرگذاری بر مولفه‌های فرهنگی همچون؛ علم، زبان، پوشش، آداب و رسوم و ترسیم شیوه ارتباطات فردی و اجتماعی، الگوی معماری اسلامی و مانند آن از نمونه‌های بارز و مورد تاکید آموزه‌های دینی و سیره اجتماعی مسلمانان، در باب تعامل فرهنگی مسجد و جامعه است که با تطبیق و ترسیم تعامل مناسب مسجد با حوزه‌های مذکور در وضعیت معاصر نیز می‌توان شاهد کانونی شدن دوباره مسجد در جامعه اسلامی بود.

کلیدواژه‌ها

مسجد، جامعه، فرهنگ، تعامل فرهنگی.

مقدمه

ادیان الهی، رسالت هدایت و ایجاد همبستگی میان عموم افراد جامعه را - بنابر تأکیدات قرآنی و روایی - بر عهده دارند. بر این اساس، برای نیل به این هدف‌های متعالی، همواره در پی ایجاد نهادها و پایگاه‌های اجتماعی برای تعامل و ارتباط با جامعه بوده‌اند. اسلام - جامع‌ترین دین الهی - پس از تثبیت و دست‌یافتن به شرایط لازم، برای تحقق رسالت خود، مسجد را به عنوان خانه خدا و کانون ایمان، طهارت، تقوی و پایگاه اجتماعی مسلمانان برای شکل‌دهی نظام اجتماعی مطلوب بنیان نهاد؛ مسجد برخلاف دیگر معابد، تنها جایگاه عبادت و نیایش دینی نبود؛ بلکه نهادی با کارکردهای متعدد که علاوه بر بُعد عبادی، کانون ارشاد، مرکز تعامل و تعاون اجتماعی و نظام سیاسی و اجتماعی به شمار می‌آید. بر این اساس، مسجد، در جریان نهضت‌های بزرگ اسلامی نیز کانون بیداری و آگاهی مردم و گروه‌های اجتماعی نقش بسیاری داشته است.

مسجد، به واسطه ایجاد ارتباطات مستقیم میان مخاطبان، روابط چهره‌به‌چهره و دریافت بازخوردهای فوری، تأثیرات عاطفی، احساسی و روحی خاصی بر مخاطب داشته است. بنابراین مسجد، دارای قدرت رسانه‌ای قابل توجهی بوده که این ظرفیت را در طول عمر ۱۴۰۰ ساله خود در ادوار گوناگون متبلور کرده است. از این منظر، مسجد در جامعه اسلامی، مهم‌ترین کانال ارتباطات اجتماعی بوده و همواره به‌عنوان منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل کرده و نه تنها در بعد تزکیه معنوی که به عنوان منبع دانش و اطلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را تغذیه می‌کرده است. بنابراین، از جهات متفاوت نهاد مسجد در جوامع اسلامی نقش‌ها و تعاملات برجسته‌ای را با مخاطبان خود داشته است که نیازمند بازخوانی و احیای این مناسبات است؛ هرچند که تاریخ جوامع اسلامی مذاق سیاسی و دولت‌محوری دارد و این امر مانع دیده‌شدن وجوه اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی نهادهای سازنده آنان از جمله مسجد شده است.

در دوران معاصر نیز در کنار تغییرات اساسی جوامع و شکل‌گیری ساختارهای نوین اجتماعی، دین و نهادهای دینی همچنان حضور مؤثر و پررنگی دارند. بدین صورت که نهادهای دینی که ساختار و قالب‌های حضور دین در جامعه را صورت‌بندی می‌کنند، روند

تولید و بازتولید معانی دینی و دینداری در عرصه اجتماع و در میان مؤمنان را هدایت و رهبری می‌کنند.

مسئله آن است که امروزه علی‌رغم توجه به ابعاد و کارکردهای مسجد، به نظر می‌رسد این نهاد دینی از نقش‌آفرینی و تعاملات چندگونه خود با جامعه فاصله گرفته و از محوری‌بودن در تعاملات گوناگون نظام اجتماعی اسلام دور شده است.

از جمله علل این مسئله را می‌توان در غفلت از جایگاه و اهمیت آن در نظام مطلوب اسلامی و فراموشی تجربه تاریخی نقش مسجد در زیست اجتماعی جامعه اسلامی - از صدر اسلام و ادوار تاریخی تاکنون - دانست.

۱. جایگاه مسجد در اسلام

مسجد از دیدگاه اسلام، کانون ایمان، تقوا، محیط پاکی، قداست و مرکز تبلور عبودیت و نیایش در برابر پروردگار جهان است. مسجد، مرکز اشاعه فرهنگ اسلامی، مهمان‌خانه خدا در زمین (عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ص ۵۱۷)، جایگاه نزول برکات و خیرات آسمانی (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ص ۷۷)، خانه راز و نیاز، عشق و محبت، صفا و صمیمیت، ایثار و رحمت، تجلی بهشت خدا در زمین (ترمذی، ۱۳۹۵ق، ج ۳: ص ۸) و محل آرامش موحدان است.

جایگاه خاص مسجد در اسلام، مورد توجه قرآن کریم نیز قرار گرفته است. خداوند تعالی می‌فرماید: «نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، در سرزمین مکه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است» (آل عمران: ۴۳). جالب آن که، خداوند به سبب اهمیت و فضیلت مسجد بر دیگر اماکن، مسجد را منسوب و متعلق به خود دانسته است تا مزیت آن بر دیگر اماکن روشن شود (نوری، ۱۴۰۸ق، صص ۲۱۳ و ۳۵۹). اختصاص مسجد به خداوند، اشاره به این نکته دارد که این نهاد مقدس، مورد توجه خاص ذات اقدس اوست. بنابراین، در مساجد جز کار خدایی نباید کار دیگری صورت پذیرد و جز مصالح مسلمانان، امر دیگری نباید مطرح شود. لذا در تأسیس مساجد هم نمی‌توان نیتی به غیر از خدا و هدفی سوا از اعتلای کلمه توحید داشت. از این رو، شایسته است تا شالوده و اساس آن بر تقوا و پاکی بنا شود و پاس‌داران و دست‌اندرکاران آن نیز

افرادی مؤمن، پرهیزکار و مصمم باشند و هر گاه بنایی برای اغراض ناپاک با نام مسجد به وجود آید، باید در از بین بردن آن کوشید.

۲. منزلت اهل مسجد در روایات

اهل مسجد، زائران خانه خدا هستند که از بلاها و مشکلات در امانند (طبرسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ص ۲۲۶)، فرشتگان در کارها به آنان کمک می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۰: ص ۳۷۳) و خداوند در قیامت به آن‌ها توجه بسیار دارد (عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ص ۴۸۱). امام حسن مجتبی ۷ فرمود: اهل مسجد زائران خدایند و بر صاحب خانه، حق است که به زائرینش هدیه‌ای عطا نماید. امام صادق ۷ می‌فرماید: کسی که به سوی مسجد گام بر می‌دارد، بر هیچ خشک و تری پانمی‌نهد، جز آن که از زمین اول تا هفتم برای او تسبیح می‌گویند (عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ص ۴۸۳). در حدیثی از پیامبر ۹ آمده است: «مسجد، همدمانی دارد که فرشتگان خدا با آنان همنشین و مأنوسند، هرگاه اینان (به دلیلی) در مسجد، حضور نیابند، فرشتگان سراغشان را می‌گیرند؛ به هنگام بیماری از آن‌ها عبادت و دل‌جویی می‌کنند و در سختی‌ها به یاری‌شان می‌شتابند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۳: ص ۳۷۳) و نیز فرشتگان خدا در قبر به دیدار انسان مسجدی می‌روند، وی را بشارت می‌دهند؛ در تنهایی قبر، انیس و همدم اویند و تا برپایی قیامت، پیوسته برای او از خداوند آمرزش می‌خواهند» (عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ص ۳۷۲).

۳. فرهنگ و مسجد

به‌طور کلی، تعامل فرهنگی میان مسجد و جامعه در دو سطح قابل تبیین و مطالعه است. سطح اول؛ تعامل فرهنگی به‌معنای عام؛ بدین صورت که مسجد به عنوان پایگاه دین، در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی زندگی بشر، نوعی از فرهنگ را تولید، تبلیغ و توسعه داد؛ یعنی فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ اجتماعی و مانند آن. در واقع، در این عرصه، پایگاه دین، فرهنگ دینی را تولید و ترویج کرده که این رسالت، همچنان تداوم دارد و می‌توان آن را در لایه‌های اعتقادی، ارزشی و هنجاری و رفتاری همه عرصه‌های جامعه رصد و بازخوانی کرد. بدون تردید، از آن‌جا که تعامل، یک موضوع طرفینی است،

گاهی عناصر فرهنگ، از سوی جامعه شکل می‌گیرند و مسجد را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهند؛ چنان‌که در معماری و شیوه کاربری مسجد، اجرای آداب و رسوم، نمونه‌هایی را می‌توان مشاهده نمود.

سطح دوم، تعامل فرهنگی به معنای خاص است؛ موضوعی که تأکید ویژه و تمرکز این نوشتار است. در این سطح، نوع تعامل مسجد با جامعه، یک تعامل فرهنگی است و نه اقتصادی و سیاسی و مانند آن؛ یعنی اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها و اعمال، کنش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی است که در تعامل بین مسجد و جامعه وجود دارد.

در مواجهه فرهنگ به معنای خاص با جامعه، با دو سطح از مخاطب مواجه می‌شویم: مخاطب عام و مخاطب خاص؛ به عبارت دیگر، دسته‌ای از مولفه‌های فرهنگی برای عموم مردم جامعه تبلیغ می‌شود و برای همه قابل عمل است و دسته‌ای از مولفه‌های فرهنگی، مانند آموزش، برای بخشی از جامعه قابل دسترسی است. از این‌رو، در تعامل فرهنگی مسجد با جامعه نیز، بخشی از آموزه‌ها و پیام‌های مسجد، خطاب به عموم افراد جامعه است و انتظار است همه آن‌ها را فرا گرفته و عمل نمایند؛ مانند: اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارهای فرهنگی و مانند آن و دسته‌ای از پیام‌های مسجد، خطاب به خواص جامعه و نخبگان است که با فراگیری و آموختن آن، به عنوان رهبران جامعه عمل نمایند و هدایت‌گری مورد انتظار مسجد را برای عموم جامعه انجام دهند؛ مانند تعلیم و تعلم علوم، تربیت، تبلیغ و مانند آن.

نکته قابل ذکر آن است که در بحث تعامل فرهنگی توجه به هر دو سطح اندیشه و عمل ضروری است؛ بدین معنی که لایه‌های اعتقادی، ارزشی و هنجاری که دایره‌مدار وجه اندیشه‌ای فرهنگ هستند، ابتدا بایست در جامعه، نهادینه و مورد پذیرش قرار گیرند تا به تبع آن، رفتار و عمل متناسب با آن‌ها تجلی یابد؛ همان‌گونه که اعتقاد و ارزش بدون عمل و التزام عملی، ناقص است، عمل بدون اعتقاد و ارزش، نیز بیهوده است. بر این اساس، در ادامه، ابتدا وجوه تعامل فرهنگی مسجد با جامعه در حوزه اندیشه - که همان سطح اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهاست - تبیین خواهد شد و سپس گونه‌های تعامل در حوزه عمل - که شامل اعمال و کنش‌های فرهنگی است - بیان می‌شود.

۴. وجوه تعامل فرهنگی مسجد با جامعه

۴-۱. تعامل مسجد و جامعه در اعتقادات

مسجد به‌طور کلی، به سه‌گونه از اعتقادات (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ص ۳۰) توجه دارد و متناسب با هر سه نوع، با جامعه و افراد آن تعامل برقرار می‌کند:

۱-۱-۴. اعتقادات برخاسته از سنت: برخی از محققان و اندیشمندان علم کلام معتقدند که بیشترین خاستگاه اعتقاد، تقلید و پیروی از بزرگان و نیاکان است. استاد مطهری معتقد است: «عقاید اغلب تقلید است؛ پیروی از اکابر و بزرگان است. از نظر قرآن، انسان تحت تأثیر اکابر قرار می‌گیرد، عقیده‌ای اتخاذ می‌کند، تحت تأثیر پدر، مادر، آباء و اسلاف خود عقیده‌ای در ذهنش نفوذ می‌کند» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۳: ص ۲۲۲ - ۲۲۴).

این بخش از عقاید بر اساس سنت‌های حاکم بر جامعه و از طریق جامعه، خانواده و افراد تأثیرگذار به افراد منتقل می‌شود. هر جامعه و ملتی بر اساس میراث فرهنگی خود به سنت‌هایی پای‌بند است که ممکن است از پشتوانه علمی و منطقی یا توهم و خرافه برخوردار باشند. مسجد، از ابتدا با سنت‌هایی که دارای جایگاه و مقبولیت اجتماعی بوده و پشتوانه منطقی داشتند، تعامل مثبت داشته است؛ چنان‌که برخی از سنت‌ها مانند: جشن نوروز ایرانیان، گونه‌های احترام به آباء و اجداد در مساجد نیز برگزار می‌شد.

۲-۱-۴. اعتقادات برخاسته از احساس: برخی از عقاید به مسائل روانی و عاطفی متکی هستند؛ یعنی، افراد با قرار گرفتن در شرایط عاطفی ویژه‌ای، تحت تأثیر مسائل روانی قرار می‌گیرند و نسبت به برخی رفتارها، پای‌بندی نشان می‌دهند. چنین عقایدی بر اساس شناخت نیست و آگاهانه صورت نمی‌گیرد و لذا در معرض تغییرند و با فروکش کردن احساسات، انسان به حال عادی برمی‌گردد (همان)؛ البته برخی احساسات منطقی و دارای پشتوانه مقبولی است.

مسجد با سنت‌هایی که ناشی از احساسات دینی بوده و زمینه‌ای برای رشد و تکامل انسانی در آن وجود داشته و یا زمینه‌ای برای هدایت بشر به سوی سعادت بوده است، همراهی داشته است. سنت‌هایی که سبب تحریک احساسات مسلمانان برای مواجهه با دشمن و یا آمادگی برای اعلام وفاداری با رهبران اسلامی بوده، از این‌گونه سنت‌هاست که

مسجد در شکل‌گیری آن‌ها نقش آفرین بوده است. اما، سنت‌هایی که ناشی از احساسات جاهلانه و سنت‌های غلط بوده و سبب ترویج عقاید نادرست می‌شد، به هیچ‌وجه در مسجد اسلامی جایگاهی ندارد.

وجه مشترک این دو دسته از سنت‌ها، دگرگونی و زوال زودرس آن‌ها و عدم ثبات‌شان در بستر جامعه است؛ زیرا، هم سنت‌ها همواره در حال دگرگونی هستند و هم احساسات، معمولاً موقت و زودگذرند و همین که فرد خود را تحت فشار اجتماعی سنت جامعه خود نبیند یا از حالت احساسی خارج شود، زمینه انجام رفتارهای جدید به وجود می‌آید؛ بنابراین، ماندگاری اصیلی ندارند. از همین رو، اعمال مبتنی بر این نوع از اعتقادات نیز ثبات لازم را ندارند.

۳-۱-۴. اعتقادات برخاسته از تحقیق: دسته‌ای از عقاید نیز برخاسته از یک تلاش علمی هستند. فرد با یادگیری به وسیله ابزارهای شناخت، به‌طور کامل یا جزئی پی به حقایق چیز می‌برد و درصدد است تا به آن عمل کند. دین اسلام، بخش مهمی از عقاید دینی را مبتنی بر تحقیق و تفهیم می‌داند. این مسأله، به‌ویژه در اصول دین، مورد تأکید دارد. پذیرش اصول عقاید در اسلام، باید از طریق تفکر و تدبّر به دست آید. به بیان ساده‌تر، اعتقاد به وحدانیت خداوند یا رسالت پیامبر یا وجود زندگی پس از مرگ، همانند اعتقاد به فروع دین نیست که از طریق تعبّد بتواند مستند به علم گردد، بلکه باید علمی و یقینی باشد، چه از راه استدلال‌های علمی و چه از راه دیگری؛ هرچند اتفاقاً و احیاناً مفید علم باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۱۵۷). از نظر اسلام، اصول عقاید، اجتهادی است، نه تقلیدی؛ یعنی: هر کس با فکر خودش باید آن را حل بکند (مطهری، ۱۳۶۷: ص ۹۴-۹۵).

تقلید و تعبّد دو گونه است: گاهی نشأت گرفته از عقل است و بر دلایل علمی و استوار می‌باشد، مانند: تقلید بیمار از دستورات پزشک یا پیروی کارگر از دستورات مهندس فنی در به کارگیری ماشین‌آلات. این گونه تقلیدها به معلومات تجربی و قوانین حاکم در علم پزشکی یا فنی مستند است. در واقع، تقلید بیمار یا کارگر با تکیه بر شناخت متخصص است. تقلید در فروع دین و عبادات دینی نیز از همین قبیل است (مک‌درموت، ۱۳۷۲: ص ۹) که در واقع مستند است به دلایل معتبر در شریعت مقدس اسلام که به وسیله

دانشمندان این رشته تبیین شده است. این گونه عقاید تعبّدی، نشأت گرفته از خاستگاه تحقیقی هستند (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۷).

گاهی عقاید تعبّدی، نشأت گرفته از توهم بوده و حاکی از واقعیتی نیستند و خاستگاه علمی ندارند. این گونه عقاید، جزو دسته اول و دوم هستند؛ یعنی، خاستگاه سنتی و احساسی دارند. قرآن کریم در چند مورد چنین عقایدی را نکوهش کرده است: «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (انبیاء: ۵۳)؛ همان گونه که در آیه اشاره شده، اگر از برخی افراد درباره عقیده‌شان سؤال شود، آن‌ها بر اساس تقلید تعبّدی استدلال می‌کنند و هیچ جواب منطقی ارائه نمی‌دهند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۲: ص ۳۱۶)؛ چنین اعتقادی ناآگاهانه است.

بنابراین، اعتقاد در درجه اول، باید مبتنی بر علم و مستدل باشد؛ هر چند که اعتقادهای برخاسته از سنت نیز در صورت درست بودن مورد تأیید قرار گرفته‌اند؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ يُتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ خداوند می‌خواهد - راه سعادت را - برای شما آشکار سازد و به سنت‌های پیشینیان، شما را راهنمایی کند و شما را از گناه قلبی پاک سازد و خداوند دانا و حکیم است» (نساء: ۲۶)؛ البته مفسران از این آیه استفاده کرده‌اند که سنت‌های خوب گذشتگان - و نه هر سنتی - باید حفظ شود و باید به آن‌ها عمل کرد.

۲-۴. تعامل مسجد و جامعه در ارزش‌ها

۱-۲-۴. مفهوم ارزش^۱

واژه «ارزش»، به لحاظ لغوی، دارای معانی متعددی نظیر: «قدر؛ قیمت؛ بهاء؛ شایستگی؛ قابلیت؛ استحقاق و برازندگی» می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳؛ عمید، ۱۳۷۵: ذیل واژه ارزش) و به لحاظ اصطلاحی، نیز دارای مفهومی پیچیده و دامنه کاربردی وسیعی بوده و در علوم فلسفه، حقوق، روان‌شناسی، علوم اقتصادی، سیاست، جامعه‌شناسی و علم اخلاق در معانی متفاوتی به کار رفته است.

1. Value

در جامعه‌شناسی نیز تعاریف متعددی از «ارزش» ارائه شده است؛ به‌عنوان نمونه، «گیدنز» ارزش‌ها را به معنای «خوب یا بد، شایسته و مطلوب و ناشایست و نامطلوب نزد یک فرد یا گروه» می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۷: ص ۱۶۲)؛ «بروس کوئن»، ارزش‌ها را «احساسات ریشه‌دار و عمیقی که اعمال و رفتار جامعه را تعیین کرده و اعضای جامعه در آن‌ها شریک‌اند» تعریف می‌کند (کوئن، ۱۳۷۱: صص ۶۱ و ۷۳).

با توجه به این مولفه‌ها؛ «ارزش‌ها»، آن دسته از اندیشه‌ها، باورها، گرایش‌ها، اخلاقیات و اعمالی هستند که در نزد تمام یا اکثر افراد یک گروه یا جامعه، به‌عنوان کمالات مطلوب و امور واجد شایستگی شناخته می‌شوند. این ارزش‌های فرهنگی، نظام ترجیحات و اولویت‌ها را برای زندگی فردی و اجتماعی، معین می‌سازد. بخش مهمی از تعالیم دین اسلام ناظر به اعمال افراد مسلمان است. به‌طور کلی وظایف عملی هر فرد مسلمان در سه حوزه عبادات، اخلاق و احکام مدنی و اجتماعی (معاملات) دسته‌بندی می‌شوند:

الف) عبادات

عبادت، عملی است که صرفاً به نیت و انگیزه اطاعت از دستور خداوند یکتا انجام می‌شود. به‌طور کلی، اعمال عبادی یا واجب هستند و یا مستحب. مهم‌ترین عمل عبادی واجب در اسلام نمازهای یومیه است. آموزه‌های دینی، از مواردی مانند، تعلیم و تربیت، تفکر و... نیز به عبادت تعبیر آورده‌اند که دلالت بر اهمیت آن‌ها دارد.

ب) اخلاق

در متون اصلی اسلام، یعنی قرآن و سنت معصومان، آموزه‌های فراوانی برای رفتارهای اخلاقی وجود دارد. معرفی اخلاق پسندیده و ناپسند و راه‌های عملی رسیدن به کمالات اخلاقی، توصیه به رعایت حقوق دیگران و دستوراتی برای تنظیم روابط اجتماعی و خانوادگی جزو تعالیم اخلاقی اسلام به‌شمار می‌آید.

ج) احکام مدنی و اجتماعی

در اسلام برای بسیاری از امور زندگی روزمره، دستورات و احکام شرعی وجود دارد.

اموری مانند: ازدواج، طلاق، تجارت، معاملات از قبیل: خرید و فروش، اجاره، رهن، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، شکار، امور جنائی، قضاوت هر یک احکامی دارند. این احکام در علم فقه با عنوان احکام معاملات مورد بررسی واقع می‌شوند. می‌توان گفت، مجموع این وظایف مسلمانان، ارزش‌های آنان محسوب می‌شوند که هر یک، تأثیر خاصی در شکل‌گیری فرهنگ اسلامی دارند. ارزش فرهنگی، آن چیزی است که در عرصه فرهنگ، معمولاً یک وصف شایسته‌ای را اثبات کند و ناظر بر «باید»‌های موجود در عرصه فرهنگ است. ارزش‌ها، سبب ارزیابی ما از پدیده‌ها و امور پیرامون خود شده و باعث هماهنگی رفتار افراد جامعه خواهد شد. بنابراین، ارزش‌ها به رفتار جهت می‌دهند و هدایت‌کننده آن هستند.

۴-۲-۲. مولفه‌های ارزشی

ارزش‌های فرهنگی‌ای که مسجد در تعامل با جامعه در آن‌ها نقش آفرین بوده و ناشی از حوزه‌های عبادی، اخلاقی و اجتماعی است به قرار زیر است:

۴-۲-۲-۱. دین‌داری

دین‌داری، نخستین و مهم‌ترین معیار و ارزش فرهنگی اسلام است. در نگرش الهی، ارزش انسان در گرو تدین اوست. قرآن کریم به کرات بر اهمیت دینداری و آثار دنیوی و اخروی آن تأکید نموده‌اند. خداوند متعال، اقامه دین را تکلیف همگانی دانسته است (شوری: ۱۳).

بخشی از دین‌داری، عبادت و پرستش خداوند و تقوای الهی است. چنان‌که هدف اولیه از خلقت انسان را عبادت معرفی می‌کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) و نیز «وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (بینه: ۴)؛ در حالی که به آن‌ها دستوری داده نشده بود، جز این که خدا را پرستش کنند با کمال اخلاص و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را ادا کنند، و این آئین مستقیم و صحیح و پایدار است.

هم‌چنین، گرامی‌ترین بنده نزد خود را باتقواترین آن‌ها معرفی می‌کند. امنیت و آسایش

انسان را در گرو دین داری می‌داند: «بلی، مَنْ اسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۱۱۲). حتی هدف اصلی از بعثت انبیاء را دعوت مردم به پرستش و عبادت خداوند معرفی می‌شود: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...» (نحل: ۳۶).

بعد دیگر دین داری، عمل صالح است که نوعی دیگر از اقامه دستورات الهی است. خداوند به چنین کسانی، افزون بر حیات طیبه در دنیا، به بهترین جزای نیک در آخرت بشارت داده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِمَّنْ ذَكَرُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ، فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷).

اسلام، با ارزشی که به انسان داده، او را از محدوده مادیات فراتر برده و در جایگاه موجودی دانسته که شایستگی مقام خلافت الهی را دارد. برای رسیدن به این مقام والا، اصل دینداری یعنی؛ ایمان و عمل صالح یک ضرورت و اصل رکن است که می‌بایست علاوه در نگرش، رفتار، زندگی انسان، در نوع تعاملات او با خداوند، دیگران و طبیعت نمایان و بروز یابد.

۲-۲-۲-۴. علم

از ارزش‌های مهم اسلام، علم و معرفت‌یابی است. با علم حقیقی است که انسان، خود و خدای خویش را شناخته و با پی بردن به اهداف خلقت و آشنایی با حقوق و تکالیف و صراط مستقیم، برای رسیدن به سعادت و رستگاری و تکامل تلاش خواهد کرد. دست‌یابی به علم، موجب عزت و قدرت مسلمان می‌شود؛ هم‌چنین می‌فرمایند: «به راستی فرشتگان الهی، برای رضایت طالبان و دانشجویان، بال‌های خود را برای آنان می‌گسترانند. همه موجودات آسمان و زمین حتی ماهیان دریا برای دانشمندان، آمرزش می‌طلبند و منزلت عالم در مقایسه با عابد همچون ماه و دیگر ستارگان است. به راستی، علما، وارثان پیامبرانند؛ زیرا پیامبران، درهم و دیناری را از خود به جای ننهاده‌اند، بلکه ارث آنان، علم و دانش است و هر کس علم را آموخته باشد، سهم سودمند و فراوانی را به دست آورده است». امام علی ۷ می‌فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ، صَبِيلٌ بِهِ»؛ علم و دانش قدرت است، هر کس به آن دست یابد، غلبه یابد و هر کس به آن دست نیابد،

زیر سلطه قرار گیرد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۷م، ج ۲۰: ص ۳۱۹). درباره مقام عالم روایت شده: «قلم عالم از خون شهید برتر است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ص ۱۴). با این درجه از اهمیت و جایگاه، علم‌آموزی و افزایش معرفت، یک ضرورت همگانی و ارزش فرهنگی متعالی در نگاه اسلامی است که فرد مسلمان برای رسیدن به تکامل و سعادت، بایست آن را فراگیرد. مسجد، همواره پایگاه اصلی علم‌آموزی و نشر معارف اسلامی بوده است.

۳-۲-۲-۴. پای‌بندی به پوشش خاص

پوشش، یک امر کلی و مربوط به همه انسان‌هاست. پوشش، نعمت بزرگی است که خداوند آن را از نشانه‌های قدرت خود معرفی می‌کند: «ای فرزندان آدم! در حقیقت، ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و زینتی است و [لی] بهترین جامه، لباس تقواست. این از نشانه‌های [قدرت] خداست؛ باشد که متذکر شوند» (اعراف: ۲۶).

مسجد، از آن‌جا که محیطی برای تعامل اجتماعی مسلمانان است، از همان ابتدای تأسیس، برای پوشش افراد، شرایط و محدودیت‌های خاصی را وضع کرد. این محدودیت‌ها، ابتدا در ظرف عبادات و محیط مسجد، تعیین و ابلاغ شد و به تدریج به عنوان ارزش‌های فرهنگی وارد جامعه گردید. در اسلام، بهره‌بردن از زیبایی‌های طبیعت، پوشیدن لباس‌های زیبا و مناسب، به کاربردن انواع عطرها و امثال آن، نه تنها مجاز، که به آن سفارش نیز شده است. روایات زیادی در این باره از معصومین نقل شده است.

در حدیث دیگری می‌خوانیم، شخصی به نام «عباد بن کثیر» با امام صادق ۷ روبرو شد، در حالی که امام ۷ لباس نسبتاً زیبایی بر تن داشت، به امام گفت: تو از خاندان نبوتی و پدرت (علی ۷) لباس بسیار ساده می‌پوشید؛ چرا چنین لباس جالبی بر تن تو است؟ آیا بهتر نبود لباسی کم اهمیت‌تر از این می‌پوشیدی؟ امام فرمود: وای بر تو ای عباد!؛ چه کسی زینت‌هایی را که خداوند برای بندگانش آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟! «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجِد و کُلُوا و اشْرَبُوا و لائْسِرْفُوا إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفینَ»؛ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زینةَ الله الّتی اُخْرِجَ لِعبادِهِ وَ الطَّیِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلذَّیْنِ آمَنُوا فِی الْحِیَاةِ الدُّنْیَا خَالِصَةً یَوْمَ الْقِیَامَةِ کَذَلِکَ نُفَصِّلُ الْآیَاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ» (اعراف: ۳۱-۳۲).

۴-۲-۲-۴. پای‌بندی به زبان خاص

از دیگر ارزش‌های فرهنگی بسیار مهم و تأثیرگذار بر دیگر عرصه‌های فرهنگ، زبان است. زبان، مهم‌ترین وسیله برای برقراری ارتباط انسان‌ها با دیگران است. توانایی تکلم و صحبت کردن از نعمت‌های بزرگ خداوند است که در قرآن نیز به آن اشاره شده است: «و به او تعلیم نطق و بیان فرمود» (الرحمن: ۳).

اسلام و به تبع آن، مبلغان، مسجد، آموزه‌های اسلام، در بستر و ظرف یک زبان خاص، محتوای دین الهی را بیان می‌کنند؛ گرچه لایه‌هایی از دین اسلام، متناسب با زبان و فرهنگ‌های متفاوت، ظرفیت تغییر را دارند و به زبان قوم درآمده‌اند؛ چنان‌که در بسیاری از مساجد، خطبه‌های نماز جمعه به فارسی یا انگلیسی خوانده می‌شود، اما برای فهم و درک عمیق و ارتباط وثیق با اسلام، باید زبان خاص اسلام را فرا گرفت. زبان اصلی قرآن، سخنان معصومین: «الفاظ نماز، ادعیه و دیگر متون اصیل اسلامی، زبان عربی است. کلام وحی در ظرف این زبان، نازل شده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف: ۲)؛ لذا برای فهم معانی آیات قرآن کریم و استفاده صحیح از محتوای ارزشمند آن، باید تسلط کافی و کامل به این زبان پیدا کرد. میراث‌روایی و متون دینی اسلام به این زبان نگاشته یا تدوین شده است. فهم دقیق و صحیح احادیث منقول از معصومین: که رهبران و هدایت‌کنندگان اصلی جامعه به شمار می‌آیند، نیازمند تعلیم و فراگیری زبان عربی است. امام صادق ۷ می‌فرماید: «تعلموا العربية فإنها كلام الله الذي يكلم به خلقه»؛ زبان عربی را فراگیرید که زبان خداوند است و با آن با مردم سخن می‌گوید. خداوند برای انتقال پیام خود که ابدی و همگانی است این زبان را برگزیده است. ویژگی‌های خاص و توانمندی زبان عربی در انتقال مفاهیم و معانی می‌تواند از جمله دلایل گزینش این زبان از سوی خداوند محسوب گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۹: ص ۳۰۰).

اهمیت این زبان، عمدتاً از اسلام نشات می‌گیرد؛ چراکه در آغاز ظهور اسلام، از یک سو، وسائل کتابت و نوشتاری در دسترس اعراب نبود و از طرف دیگر قوم عرب، نیز یک قومی اُمّی (ناخوان) بود؛ یعنی خواندن و نوشتن را بلد نبودند و تنها افراد انگشت‌شماری وجود داشتند که قبل از اسلام، خواندن و نوشتن را آموختند (زرقانی، ۱۳۸۵: ص ۲۹۴).

مسجد به عنوان پایگاه اصلی تولید و نشر فرهنگ اسلامی، در تعامل خود با جامعه، در صدد پای‌بندی افراد جامعه به زبان اسلامی است. بنابراین، تعلیم زبان عربی، آموزش قرائت قرآن، اقامه نمازهای مختلف به زبان اصلی، برگزاری جلسات ادعیه و مراسمات دینی به زبان عربی و مانند آن در مسجد، همگی برای اثبات و نهادینه کردن زبان اصلی اسلام در جامعه است.

بی‌شک، پای‌بندی به زبان خاص، نوعی احکام و دستورات دینی الزام‌آور و بایسته‌ای را در پی دارد که در بخشی از لایه‌های دین دیده شده است و دسته‌ای از بایدهای اسلام، مربوط به حوزه زبان است که مسلمانان می‌بایست آن را رعایت کنند؛ مانند: وجوب قرائت نماز به زبان عربی و باطل بودن آن به زبان دیگری.

۵-۲-۴. پای‌بندی به آداب و رسوم خاص

آداب، حالات نیکویی است که اعمال صادره از انسان در قالب آن‌ها شکل می‌گیرند. به‌طور کلی، آداب اسلامی را می‌توان در دو بخش ذکر کرد: الف) آداب و رسومی که از سوی اسلام، آورده شده و دستور اجرای آن نیز بیان شده است مانند: نماز و صوم و مانند آن.

ب) رسومی که در میان مردم وجود دارد و به قصد احیای اعتقادات و یا شعائر دین برگزار می‌شود مانند: عزاداری و اعیاد.

در همه ادیان، آئین‌هایی برای تعظیم شعائر، اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های آن مکتب وجود دارد. خدواند در قرآن کریم، تکریم و بزرگداشت نعمت‌ها، شعائر و نشانه‌های خود را خواستار شده و این عمل را نشأت گرفته از تقوی الهی دانسته: «...هر کس شعائر الهی را بزرگ شمارد، به درستی که آن از تقوای قلوب است» (حج: ۳۲). بنابراین احیای شعائر و بزرگداشت نشانه‌های الهی، از امور پسندیده است، اما بدیهی است که هر قوم و ملتی در شکل و شیوه اجرای این بزرگداشت‌ها، آداب و رسوم ویژه و متمایزی دارد. این گونه رسوم تا زمانی که مخالف با دستورات اسلامی نباشد، مورد تأیید دین اسلام است. به عنوان مثال، برگزاری مراسم عزاداری، گریه کردن و گریاندن در عزای امام حسین ۷، از اموری است که در مکتب تشیع بسیار بر آن تأکید شده است (مقرّم، ۱۳۸۷: ص ۹۶)، اما شیوه

عزاداری و بزرگداشت این واقعه در میان ملل و فرهنگ‌ها، متفاوت است؛ حتی در شهرهای ایران برگزاری این آیین شبیه به همدیگر نیست. در ایران از زمان‌های قدیم مرسوم بوده که دسته‌جات عزاداری به خیابان‌ها بیایند و عزاداری کنند؛ چنان‌که امام خمینی؛ می‌فرماید: «ما باید حافظ این سنت‌های اسلامی، حافظ این دسته‌جات مبارک اسلامی [باشیم] که در عاشورا، در محرم و صفر در مواقع مقتضی به راه می‌افتد، تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ص ۴۱).

۴-۳. تعامل مسجد و جامعه در هنجارها

۴-۳-۱. هنجار

واژه «هنجار» در لغت، به معنای: «راه؛ روش؛ طریق؛ طرز؛ قاعده؛ قانون» است (معین، ۱۳۷۵ ش: ذیل واژه هنجار) و در اصطلاح جامعه‌شناختی نیز هنجار؛ «معیار تثبیت‌شده‌ای است از آن‌چه که باید در یک فرهنگ خاص وجود داشته باشد» (کوئن، ۱۳۷۱: ص ۱۴۶)؛ «قانون یا اصلی است که راهبری یا هدایت یک رفتار را موجب می‌شود» (بیرو، ۱۳۷۰: ص ۲۴۹). همچنین، «رفتار، قاعده، معیار یا میزانی است که با آن رفتار اجتماعی افراد در جامعه سنجیده می‌شود» (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ص ۱۶۷) و برخی اندیشمندان معاصر مسلمان، هنجار را به «هر رفتار گروهی که مبتنی بر یک یا چند ارزش گروهی باشد» تعریف می‌کنند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۲: ص ۲۲۹).

هنجارها در واقع، تبلور و تجسم ارزش‌های جمعی در مقام عمل هستند که تعیین می‌کنند که مردم در یک جامعه خاص و در شرایط معین چگونه باید رفتار کنند و رفتار اشخاص در جامعه به وسیله آن‌ها سنجیده می‌شود. هر رفتاری که با هنجارها تطابق داشته باشد، رفتاری پسندیده و نیکو (بهنجار) به‌شمار می‌آید و اگر رفتاری با هنجارها مطابق نباشد، ناپسند و مکروه (نابهنجار) شمرده می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ص ۲۴؛ فرجاد، ۱۳۷۴: ص ۱۱-۱۲). بر این اساس، اگر فردی هنجار جامعه یا گروه را رعایت نکند، مورد سرزنش و احياناً مجازات قرار می‌گیرد.

بر این اساس، هنجارهای دینی، قواعد عملی هستند که فرد را برای انجام آن راهنمایی می‌کنند؛ مانند چگونگی اقامه نماز، انجام وضوء، عقد معاملات، شیوه تعامل با دیگران و

مانند آن که در قرآن کریم و روایات معصومین : موارد متعددی بیان شده است.

۱-۳-۴. امر به اعمال

چنان که خداوند، شکل پرستش عبادی در قالب نماز را بدین گونه ترسیم می‌کند: «یا ایها الذین امنوا ارکعوا و اسجدوا و اعبدوا ربکم و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون» (حج: ۷۷)؛ یا درباره روزه می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ... فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِيَتَّكِبُوا الْعِدَّةَ وَ لِيَتَّكِبُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (بقره: ۱۸۵)؛ هم چنین: «... وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» (بقره: ۱۸۷).

درباره حج نیز آمده است: «وَ اتَّمُوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَ لَا تَحْلِفُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُم مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنتُمْ فَمَنْ تَمَنَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَهُ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (بقره: ۱۹۶)؛ چنان که ملاحظه می‌شود نه تنها شیوه‌های انجام اعمال عبادی بیان شده، بلکه در صورت وجود عذر و مانع برای انجام اصل عمل عبادی مورد نظر، بدیل‌هایی را نیز برای جبران آن ذکر کرده است.

۱-۳-۴. نهی از برخی اعمال

برخی از هنجارهای دینی، آن‌هایی هستند که در قالب نهی آمده و خداوند متعال، مؤمنین را به پرهیز از آن‌ها فرا خوانده است؛ چنان‌که به کسانی که لباس احرام پوشیده‌اند، می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال احرام، شکار نکنید، و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفاره‌ای معادل آن از چهارپایان بدهد؛ کفاره‌ای که دو نفر عادل از شما، معادل‌بودن آن را تصدیق کنند؛ و به صورت قربانی به کعبه برسد؛ یا (به جای قربانی،) اطعام مستمندان کند؛ یا معادل آن، روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد.

خداوند گذشته را عفو کرده، ولی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می‌گیرد؛ و خداوند، توانا و صاحب انتقام است (مائده: ۹۵).

این هنجارها، در جامعه اسلامی هم ابتدا در مسجد بیان و عمل می‌شود و هم از طریق آن، به مسلمانان آموزش داده می‌شود. بی‌تردید، پذیرش و عمل مسلمانان به آنها در سطح جامعه، این سطح از فرهنگ را وجه عمومی می‌دهد و تبدیل به هنجارهای مقبول و حاکم می‌نماید. اعمال انسان‌ها، بر مبنای هنجارها شکل می‌گیرند و جامعه عمل می‌پوشاند.

۴-۴. تعامل مسجد و جامعه در عرصه عمل

در سطح رفتار و عمل، تعامل مسجد و جامعه بسیار متنوع است. با توجه به این که در جامعه اسلامی، مسجد، محور کانونی بر این تعیین و توسعه نوع رفتارها در تمامی زمینه‌های اجتماعی است، تعامل آن نیز بسیار گسترده است. این تعامل، اولاً دوسویه است؛ یعنی همان گونه که مسجد، تأثیر گذار و نقش آفرین در اعمال و رفتارهای جامعه است، جامعه نیز به شیوه‌های گوناگون بر روی ابعاد مختلف مسجد تأثیر متقابل دارد.

ثانیاً، تعاملات متنوع مسجد در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، عبادی، فرهنگی از یک درهم پیچیدگی و وابستگی متقابلی برخوردار است که تفکیک هر از آن‌ها بدون لحاظ کردن دیگر ابعاد تعامل تا حدی ناممکن است. این وابستگی و عدم استقلال کامل تعاملات اجتماعی، سبب شده تا هر یک از اعمال و رفتارهای اجتماعی متأثر از مسجد و نهاد دین را بتوان در زمره اعمال دینی یا فرهنگی یا سیاسی و ... ذکر کرد و برداشت خاص از منظر همان بعد کرد. مثلاً نماز جماعت که یک عمل به ظاهر عبادی تعریف می‌شود، از منظر سیاسی، نماد و جلوه‌گر وحدت اسلامی است که دارای کارکرد خاصی در عرصه نیز است یا مبادلات اقتصادی نیز از جهات دیگر می‌توانند دینی یا سیاسی تعریف شوند.

با این وجود، با کمی مسامحه و مبنای قرارداد درک عموم، دسته‌ای از اعمال و رفتارها، صبغه فرهنگی آن‌ها بیشتر است و لذا در ذکر مصادیق تعامل فرهنگی مسجد و جامعه در حوزه عمل و رفتار نیز بر اساس همین مبنای مواردی از قبیل: انجام عبادات، آموزش (تعلیم و تعلم، قرائت، کتابت و...)، تبلیغ، آداب و رسوم، قابل ذکر است.

۴-۴-۱. عبادت و پرستش خدای یکتا

اصلی‌ترین رفتار و اعمال در تعامل میان مسجد و جامعه، عبادت کردن و انجام شیوه‌های مختلف پرستش است. این شیوه‌های پرستش، از سوی خداوند متعال بیان شده و یا در سیره معصومین : تجربه و روایت شده است مانند اقامه کردن نماز توسط پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین : در مساجد به همراه مسلمانان و یا اجرای برخی از حدود الهی و مانند آن.

از آن‌جا که مساجد، جایگاه و محل غلیان ارزش‌ها و هنجارهای دینی است، مسلمانان و به‌ویژه مؤمنین، به‌طور داوطلبانه بر اساس مفاهیم و ارزش‌های دینی به انواع فعالیت‌های عبادی مبادرت می‌کنند. و هر قدر فرد گرایش بیشتری برای حضور یا ارتباط با این اماکن دینی داشته باشد، می‌توان انتظار داشت که احتمال دوری او از ارتکاب جرایم و امتناع از ورود به حوزه‌های رفتاری ضداجتماعی وجود دارد.

۴-۴-۲. علم‌آموزی

از عرصه‌های بسیار مهم تعامل مسجد و جامعه، آموزش و تعلیم و تربیت است. اهمیت و جایگاه علم و کسب دانش در متون دینی به‌ویژه قرآن کریم و سیره معصومین برجسته است. اهتمام معصومین : و عالمان اسلامی در آموزش مسلمانان در مساجد اسلامی، حاکی از رسالت مسجد در این عرصه دارد. قرابت اسلام و علم در آموزه‌های دین، شاهد گویایی است که اسلام حقیقی از مسیر آگاهی و کسب دانش به دست خواهد آمد و انسان عالم و عاقل می‌تواند، مسلمان والا و برتری در نزد خداوند متعال باشد؛ هم‌چنین از اهداف بعثت پیامبر ﷺ، تعلیم و تعلم ذکر شده است.

مساجد، نهادهای اساسی آموزش به‌ویژه در زمینه‌های قرآن، احکام، اخلاق و علمی مانند کلام و فقه بوده‌اند. در صدر اسلام، مسجد، افزون بر محل برگزاری مراسم عبادی، محل دانش‌آموزی نیز به‌شمار می‌آمد. برای نمونه، پیامبر در مسجد، آیه‌های قرآن، احکام و معارف دین و حتی مسائل تاریخی را به مردم آموزش می‌داد. مطالبی که در این‌گونه جلسات بیان می‌شد، با میزان توان فکری شنوندگان هماهنگ بود و جلسه‌ها پس از برخی نمازها، مانند صبح و شام که شمار بیشتری از مردم در مسجد حضور داشتند، برگزار

می‌شد. افزون بر مسجدالنبی، در دیگر مسجدهای مدینه نیز جلسه‌های درس برقرار بود. آموزش اسلامی با دعوت پیامبر ۹ نخستین مربی و معلم مسلمانان و از مسجد که در واقع پایگاه تعلیماتی مسلمانان بود، آغاز شد؛ مسجد که در عصر نبوت و دوره خلفای راشدین بنای بسیار ساده و ابتدایی داشت، محل اجتماع نومسلمانانی شد که برای دریافت پاسخ به مسائل جدید، در آن آمد و شد داشتند. اقامه نماز، استماع سخنان پیامبر ۹ در باب آیاتی که وحی می‌شد، تبلیغ دین و ابلاغ احکام شرع، اعلان جنگ و جهاد و عقد صلح، تقسیم غنایم جنگی، ارسال نامه‌ها، تشییع جنازه و مسائلی از این قبیل که بیشتر آن‌ها با هجرت رسول خدا به مدینه جاری شد، در واقع «مسجد» کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و اساسی‌ترین پایگاه تعلیمات در تاریخ اسلامی به شمار رفته و می‌رود (همان: ص ۴).

پیامبر اعظم ۹ از همان روزهای نخستین ورود به مدینه و تاسیس جامعه نخستین اسلامی، اهتمام ویژه‌ای به امر آموزش معارف دینی، مهارت‌آموزی، تعلیم خط، فراگیری زبان‌های بیگانه برای پاسخ به مکاتبات و ارتباطات بین‌المللی، آموزش حرف و مشاغل و امثال آن داشته است. ایشان، نخستین کسی بود که (نومسلمانان) عرب را برای کسب دانش، در یک حلقه گرد خود فراخواند (غنیمه، ۱۳۶۴، ص ۵۲). اعجاب‌آورترین صحنه آموزش و تعلیم در صدر اسلام، سردمداری انسانی درس ناخوانده ولی امین، دانا، عاقل، حکیم و فرزانه است که توأمان حکمت آموختگان و جاهلان را رهبری کرده و فرهنگی حکیمانه را در جامعه گرفتار در تارهای شیطانی جهل جاهلیت، جاری می‌گرداند و از ایشان انسان‌های موفق می‌سازد که «حق‌باوری» را با جان خویش عجین ساخته و در راه آن، انواع مشقات را به شیرینی تحمل می‌کنند (قابل، ۱۳۸۱: ص ۱۲۹). در روایتی آمده است: «روزی رسول اکرم ۹ وارد مسجد شد و در آنجا با دو گروه مواجه شد. در یک قسمت، مردم سرگرم علم‌آموزی و در قسمت دیگر مسجد دسته‌ای مشغول راز و نیاز با خدا بودند. پیغمبر ۹ فرمودند: «این دو نشست و گردهمایی با خیر و سعادت‌اند؛ زیرا گروه دوم خدا را می‌خوانند و گروه اول نیز سرگرم فراگیری بینش و دانش‌اند و می‌خواهند دانش و آگاهی دینی خود را از رهگذر تعلیم، به دیگران منتقل سازند. اما گروه اول بر گروه دوم مزیت دارند. سپس، حضرت ۹ در جمع گروهی که سرگرم دانش‌اندوزی و تعلیم بودند، نشست (حجتی، ۱۳۵۹: ص ۵۵).

در سیره مدیریتی پیامبر اعظم ۹ نیز تعلیم و تربیت از جایگاه والایی برخوردار بود؛ برای آزادی اسیران جنگی شرط گذاشت که برای آزادی خود به مسلمانان خواندن و نوشتن بیاموزند. هر کس قرآن بلد بود موظف بود به دیگران آموزش دهد، همسایه‌ها به آموزش خانواده‌های همجوار خود توصیه شده بودند و زکات دانایی و آگاهی در هر زمینه‌ای را در انتقال آن به دیگران قرار داده بود و به معنی واقعی نهضت فراگیر آموزش را برنامه‌ریزی و اجرا می‌کرد.

مسجد از منظری دیگر یک نهاد آموزش عمومی بود. این نهاد، وظایف زیر را برعهده داشت: آموزش قرآن و معارف دینی، آموزش خواندن و نوشتن، آموزش مهارت‌ها و فنون رزم و دفاع، آموزش فنون و مهارت‌های تبلیغ و ترویج اسلام، آموزش مهارت‌ها، فنون و مشاغل مورد نیاز در امور بازرگانی، خدماتی، صنعتی، کشاورزی و... و آموزش زبان‌های بیگانه به‌ویژه عبری، سریانی، فارسی، رومی و... هر کس علم، هنر یا مهارتی داشت می‌بایست آن را به دیگران آموزش دهد. بنابراین مسجد در اسلام، در حکم مأذنه فرهنگ اسلامی بوده و وسیله ارتباط جمعی پایدار که هیچ‌گاه این نقش را از دست نداده و نخواهد داد. کمرنگ و پررنگ شدن تأثیر آن سبب انکار اصل تأثیر نمی‌شود (قابل، ۱۳۸۱: ص ۱۲۹).

پس از رحلت پیامبر خاتم ۹، نظام حکومتی اسلام از حرکت در مسیری که پیامبر ۹ برای آن ترسیم نموده بود، بازماند. این تحوّل سیاسی، پیامدهای عمیق و زیان‌باری را در ابعاد گوناگون به دنبال داشت. مسجد نیز به‌عنوان نهادی که کاملاً از جنبه‌های فرهنگی و سیاسی برخوردار بود، از این آثار زیان‌بار به دور نماند. امیرالمؤمنین علی ۷ با دوری از عرصه‌های سیاسی نتوانست آن‌گونه که باید از این سنگر مقدّس در راستای تلاش‌های فرهنگی بهره‌برداری کند. با این حال، آن حضرت حتّی در دوران بیست‌وپنج ساله سکوت و خانه‌نشینی نیز برای به‌جای آوردن نماز در مسجد حضور می‌یافتند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴: ۱۲۳) و در موارد لازم به پرسش‌های علمی مسلمانان پاسخ می‌گفتند. این سخن از عمر بن خطّاب نقل شده که در زمان خلافت خویش گفته است: «با حضور علی در مسجد، کسی حق فتوادادن ندارد» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۷م، ج ۱: ص ۱۸).

افزودن بر آن که این سخن، گویای فضیلت و برتری علمی امیرالمؤمنین ۷ است؛ نشان می‌دهد که حتی در دوران خلافت خلفاء نیز یکی از کارهای آن حضرت، حضور در

مسجد و فتوادادن در مسائل دینی بوده است. امیرالمؤمنین ۷ گاه در جلسات مناظره و گفتگوی‌های علمی که در مسجد تشکیل می‌شد، شرکت می‌کرد و ضمن دفاع از موقعیت و جایگاه اهل بیت ۷، آیات قرآن کریم را برای مردم تفسیر می‌کرد. پس از آن که امیرالمؤمنین ۷، خلافت ظاهری را به دست گرفت، در آغاز خلافت خویش، در مدینه و سپس در کوفه در سطح وسیع تری از مسجد به عنوان مرکز تبلیغ معارف اسلامی و روشنگری مردم بهره بردند. آن حضرت بارها در مسجد مدینه، کوفه و گاه نیز در مسجد بصره به وعظ و سخنرانی می‌پرداختند. بسیاری از خطبه‌های آن حضرت که اینک در دسترس ما قرار دارد، در مسجد کوفه و یا مسجد النبی ایراد شده است.

امام مجتبی ۷ پس از شهادت پدر گرامی‌شان، اولین خطبه خویش را در مسجد کوفه ایراد نمود و از مردم درخواست فرمود تا با وی بیعت کنند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، «ب»، ج ۴۳: ص ۳۵۹ و ج ۴۴: ص ۶۶). پس از انعقاد پیمان صلح با معاویه، آن حضرت همراه با برادر گرامی‌شان امام حسین ۷، در مجالس دینی و مناسبتی در مسجد النبی شرکت می‌جستند (همان: ج ۴۴: ص ۱۲۳). استفاده امام حسین ۷ از مسجد الحرام به عنوان پایگاه تبلیغی و فرهنگی خویش، آن گاه که نهضت خود را شروع فرمود و به مکه آمد و چهار ماهی که در آن جا سکونت داشتند، برجسته است.

امام زین العابدین ۷ نیز به منظور انجام گفتگوهای علمی، در مسجد حضور می‌یافته‌اند. یزید بن حازم می‌گوید: علی بن حسین ۷ و سلیمان بن یسار را می‌دیدم که در مسجد پیامبر خدا ۹ نشسته‌اند. آن دو از صبح گاه تا بر آمدن آفتاب با یکدیگر به بحث و گفتگوهای علمی می‌پرداختند. هر گاه مباحث علمی آنان به پایان می‌رسید، عبدالله بن ابوسلمه سوره‌ای از قرآن را برای آنان تلاوت می‌نمود. چون این کار انجام می‌شد، امام و سلیمان دعا می‌کردند (ابن سعد، ۴۱۰ق، ج ۵: ص ۲۱۶-۲۱۷).

امام سجاد ۷ میدان اصلی فعالیت‌های فرهنگی خود را گسترش دعا و تقویت بنیه معنوی مسلمانان قرار داد. با این حال، در زمینه فقه و حدیث نیز به آموزش مسلمانان پرداختند؛ تا آن جا که از آن حضرت به عنوان دانشمندی کثیرالحدیث یاد شده است. نکته قابل توجه این که، پایگاه اصلی امام ۷ در انجام این فعالیت‌ها، مسجد بوده است.

امام باقر ۷ در مسجد النبی پس از نماز، به پرسش‌های حاضران پاسخ می‌گفتند

(مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۶: ص ۳۵۷). در این نشست‌ها، اهالی مدینه و آنان که از مناطق دوردست همچون خراسان به مدینه می‌آمدند، در مسجد النبی به حضور امام باقر ۷ می‌شتافتند و پرسش‌های خود را با امام در میان می‌گذاشتند. ایشان در موسم حج نیز جلسات درسی را در مسجد الحرام برپا می‌نمود و به آموزش مسلمانان و رفع مشکلات علمی آنان می‌پرداخت (همان: ص ۳۵۱-۳۵۸). امام باقر ۷ هم‌چنین به شاگردان برجسته و ممتاز خویش، همچون ابان بن تغلب، فرمان می‌دادند تا در مسجد مدینه بنشینند و احکام اسلامی را برای مردم بیان کنند (حیدر، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۴۴۶).

پس از آن که در دوران امام باقر و امام صادق ۸، قدرت و نفوذ حاکمان اموی کاهش و رو به ضعف گذاشت، فرصتی فراهم شد تا انقلابی در عرصه علم و فرهنگ ایجاد شود. لذا بهترین جایگاه برای انقلاب فرهنگی و بیان معارف دینی و انسانی، مسجد بود. امام صادق ۷، از این موقعیت به خوبی بهره برده و توانست بسیاری از معارف دینی را توسط شاگردان خویش به گوش پیروان‌شان برسانند. نکته مهم آن است که همه این فعالیت‌های علمی - فرهنگی، چه از جانب امام ۷ و چه از جانب شاگردان ایشان، در مسجد صورت می‌گرفت (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲: ص ۱۲۲).

بنابراین می‌توان گفت؛ در عصر امام باقر و امام صادق ۷ مسجدالنبی یکبار دیگر توانست پرتو افکنی کند و به مرکز نشر معارف و مبانی اسلام پیامبر اسلام ۹ مبدل شود. رونق بازار دانش آل محمد ۷ در مسجدالنبی چنان بود که رفته‌رفته به دیگر مساجد، همچون مسجد کوفه نیز سرایت کرد. حسن بن علی بن وشاء از شاگردان امام رضا ۷ می‌گوید: «در مسجد کوفه نهصد استاد را دیدم که همگی مستقیماً از امام صادق ۷ حدیث نقل می‌کردند» (همان، ج ۱: ص ۸۷).

پس از امام صادق ۷ برای هیچ‌یک از امامان: فرصت مناسبی برای تلاش‌های علمی و فرهنگی فراهم نشد. ولی آنان نیز به فراخور شرایط و اوضاع و احوال زمان خود، تا آنجا که ممکن بود با حضور در مسجد، علاوه بر انجام عبادت و دعا، به پرسش‌های دینی و مشکلات علمی مسلمانان پاسخ می‌گفتند.

امام کاظم ۷ به یکی از شاگردان خویش به نام محمد بن حکیم، دستور داده بودند تا در مسجد پیامبر ۹ بنشیند و به بحث و گفتگو پیرامون مسائل دینی بپردازد. او پس از

گفتگوهای علمی در مسجد، گزارش کار خود را به امام ۷ می‌داد و امام ۷ از کار او ابراز خشنودی می‌فرمود (طوسی، ۱۳۴۸: ص ۴۴۹).

امام محمدتقی ۷ بر رفت و آمد به مسجد مواظبت داشتند؛ آن حضرت پس از شهادت پدر گرامی‌اش با حضور بر منبر جدّ خویش، در مسجدالنبیّ به معرفی خود پرداخت و مراتب علمی خویش را برای حاضران بازگو کرد تا آنان مشکلات و مسائل علمی خویش را از وی پیرسند (همان: ص ۱۰۸).

امام هادی و عسکری ۷ با اجبار خلفای زمان خود، مجبور به ترک مدینه و اقامت در سامراء شدند. به‌طور طبیعی این امر سبب شد تا آنان از محیط مدینه که یک محیط علمی بود، دور بمانند و با این که فعالیت‌های سیاسی آنان کاملاً زیر نظر قرار می‌گرفت؛ زمینه تلاش‌های علمی و فرهنگی آنان نیز از بین می‌رفت. مطالعه تاریخ زندگی امام عسکری ۷ در سامراء نشان می‌دهد که آن حضرت، گاه امکان برقراری روابط عادی با شیعیان خویش را هم نداشته است.

در حقیقت، سیاست تبعید امامان معصوم : به خارج از مدینه، پس از امام صادق ۷ شروع شد. حاکمان بنی‌عبّاس با توجه به تلاش‌های گسترده علمی و فکری امام صادق ۷ دریافتند که باقی‌ماندن امامان معصوم : در مدینه می‌تواند با گذشت زمان زمینه یک انقلاب بزرگ اجتماعی را فراهم آورد. لذا برای مقابله با همین خطر بود که امام کاظم ۷ در بغداد، زندانی شد. با دسیسه‌های مأمون، امام رضا ۷ از مدینه به طوس، احضار شد و امام هادی و عسکری ۷ نیز به اقامت در سامراء مجبور شدند.

به هر صورت، با مطالعه سیره و روش پیشوایان معصوم : روشن می‌شود آن بزرگواران، حتی در سخت‌ترین فشارهای سیاسی نیز در مسجد حاضر می‌شدند. گرچه رفت و آمد آنان به مسجد، در مرتبه اول، به قصد عبادت و به‌جای آوردن نماز بود؛ ولی این حضور، آثار سازنده فرهنگی، آموزشی و تربیتی را نیز در پی داشت.

نتیجه‌گیری

مکان‌های مذهبی در تمامی ادیان، حتی ادیان غیرتوحیدی جایگاه ویژه و کارکردهای مهمی دارند که تنها عبادت به معنای خاص محدود نمی‌شوند. به‌طور نمونه کلیسای

مسیحیان، کنیسه یهودیان و معبد بوداییان تنها یک مکان مذهبی نیست و در بسیاری از موارد هدف گذاری‌های عمیق سیاسی - اجتماعی و برنامه‌های استراتژیک عملیاتی مختلف، از این مکان‌ها دنبال می‌شود. در اسلام، مسجد، مهم‌ترین نهاد مذهبی و محور جامعه اسلامی است. با توجه به ویژگی‌ها و ظرفیت دین اسلام، مسجد، ظرفیت بالایی برای جذب و ارتقای تفکر و عمل مسلمانان دارد.

یکی از پایه‌های مهم دین اسلام، اصل اجتماعی است تا انسان را از زندگی فردی و گوشه‌نشینی برهاند و او را به سوی زندگی اجتماعی سوق دهد. به همین دلیل، اسلام همواره مؤمنین را به شرکت در اجتماع برای عبادت خداوند ترغیب می‌کند؛ زیرا تنها از طریق اجتماع است که مسلمانان می‌توانند به صورت یدِ واحدی در مقابل مصائب و مشکلات ایستادگی کنند. بنابراین، همان‌گونه که اسلام یک دین اجتماعی است، مسجد نیز یک نهاد اجتماعی محسوب می‌شود. پیامبر اسلام ۹ برای تغییر رفتارهای اجتماعی مردم زمان خویش بر اساس اصول اجتماعی اسلام، نیاز به یک ظرفیت و بستر عینی داشت تا در سایه آن اجتماعات مردمی شکل بگیرد و مفاهیم دینی بیان شود؛ اگرچه با اندکی دقت به بیانات و مفاهیم ارائه‌شده توسط پیامبر ۹ مشخص خواهد شد که ایشان تنها به مباحث اجتماعی و دینی بسنده نمی‌کردند و بخش اعظمی از بیانات را به موضوع و مسائل فردی اختصاص می‌دادند؛ چراکه آن حضرت، ایجاد جامعه اسلامی را در گرو ساختن و خودسازی تک‌تک افراد آن جامعه می‌دانستند و به همین سبب، دین اسلام به صورت هم‌زمان به دو جنبه فردی و اجتماعی توجه کرده است. این دو بعد، برای رشد و کمال انسان لازم است و با فقدان هر یک از آن‌ها، امکان دست‌یابی به کمال از انسان سلب می‌شود.

مساجد علاوه بر این که نقش خود را به عنوان یک نهاد موفق اجتماعی در طول حیات ارزشمند خویش به خوبی ایفاء کرده‌اند، زمینه تمسک و بهره‌مندی انسان از فضای روحانی و ارتباط با خدا را برای افراد جامعه اسلامی به تنهایی و در خلوت الهی فراهم آورده است. هر دو بخش از این نقش‌آفرینی متکی به آموزه‌های الهی است که از طریق معصومین و اولیاء الله و در ادامه توسط مبلغان، روحانیون و عالمان وارسته دینی در قالب سخنرانی، وعظ و خطابه در منابر مساجد که یکی از عناصر و اجزاء مهم مساجد در انتقال پیام‌ها محسوب می‌شوند، ابلاغ شده است. علاوه بر آن، عمده محتوای متون و منابعی که توسط

آنان مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، آیات، احادیث و روایات برگرفته از سخنان پیشوایان، بزرگان و عالمان دینی است و بسیاری از این مباحث مربوط به سبک و شیوه زندگی یک فرد مسلمان و چگونگی برگزیدن رفتاری مناسب و شایسته برای زندگی در یک جامعه اسلامی است.

توسعه اسلام، در گرو توسعه مساجد است و برای گسترش گفتمان تئوریک اسلام و انقلاب اسلامی باید توجه ویژه به مساجد را در دستور کار قرار دهیم. مسجد شاید بهترین مکان برای برپایی کرسی‌های آزاد اندیشی در سطح جامعه باشند. این مکان می‌تواند جایگاهی برای شکل‌گیری گفتمان تئوریک، استراتژیک و عملیاتی جمهوری اسلامی ایران باشد. مساجد، کانون وحدت است؛ کانونی که می‌تواند تمام اقشار جامعه را در کنار هم بیاورد و به صورت فراجراحی و در زیر لوای ولایت اهداف اسلام و انقلاب را تأمین کند.



کتابنامه

* قرآن کریم

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۹۶۷م)، شرح نهج‌البلاغه، ج ۲۰، محقق: محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: چاپ افست.
۲. ابن سعد، ابوعبدالله محمد (۱۴۱۰ق)، الطبقات الکبری، ج ۵، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
۴. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵ق)، سنن ترمذی، ج ۳، مصر: شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی.
۵. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
۶. خُر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۷. حیدر، اسد (۱۳۷۸)، الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱، تهران: مکتبه الصدر.
۸. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران: مرکز فرهنگی انقلاب اسلامی.
۹. دهخدا، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۳۸۵)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ترجمه: محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. صدوق، محمد بن علی؛ ابن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لایحضر الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طبرسی، علامه فضل بن حسن (۱۴۰۷ق)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۸)، اختیار معرفة الرجال، تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد.

۱۵. عمید، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه امیر کبیر.
۱۶. غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۶۴)، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه: نورالله کسائی، تهران: نشر یزدان.
۱۷. فراهتی، عباسعلی (۱۳۸۲)، مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی، تهران: ستاد عالی کانون‌های مساجد.
۱۸. فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۴)، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، بی‌جا، نشر بدر.
۱۹. قابل، احمد (۱۳۸۱)، «مسجد جامع»، در کتاب: پرستش‌گاه در عهد سنت و تجدد، عمادالدین باقی، تهران: نشر سرایی.
۲۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۱. کوئن، بروس (۱۳۷۱)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: عباسعلی توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
۲۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق.)، بحارالانوار، ج ۱، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۴. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق.)، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: موسسه فرهنگی اسلامی کوشان‌پور.
۲۵. محرمی، غلامحسین (۱۳۷۹)، نقش مسجد در جامعه اسلامی، چ اول، قم: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی یمین.
۲۶. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ مسجد، قم: نشر دارالحدیث.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۲)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، مجموعه آثار، تهران: نشر صدرا.
۲۹. _____ (۱۳۷۲)، جامعه و نظم، قم: نشر صدرا.
۳۰. مقرر، سیدعبدالرزاق (۱۳۸۷)، مقتل الحسین، ترجمه: مرتضی فهیم کرمانی، قم: انتشارات دلیل ما.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. مک‌درموت، مارتین (۱۳۷۲)، مصاحبه با کیهان فرهنگی، ش ۹۷.
۳۳. موظف رستمی، محمدعلی (۱۳۸۱)، آیین مسجد، ج ۲، تهران: نشر گویه.
۳۴. نوبهار، رحیم (۱۳۸۶)، مسجد نمونه، تهران: ستاد اقامه نماز.
۳۵. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق.)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۳۶. نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: نشر رایزان.

